

فروغ فروتنی در اوج هنر

گفتارهایی از جان و جهان استاد فرشچیان به روایت حشمت کفیلی

مدیر پیشین موزه استاد در آستان قدس رضوی

استاد فرشچیان با موزه ادامه یافت. خانم کفیلی، امانتدار گنجینه آثار و شاهد زنده پیوند عمیق استاد با هنر، معنویت و مردم بود. او که تا آخرین روزهایی که استاد توان صحبت داشتند، همواره با ایشان در تماس بود، گنجینه‌ای از خاطرات ناب و ناگفته‌ها را در سینه دارد که نه تنها روایتی از یک همکاری حرفه‌ای، که حدیث دلدادگی و ارادت به جان و جانان است و دریچه‌ای گرانبها به ابعاد انسانی و اخلاقی شخصیتی می‌گشاید که هنرش پلی میان زمین و آسمان بود.

■ **فروتنی بی‌بديل؛ در اوج شهرت، در عمق خاکساری**
خانم کفیلی با نگاهی عمیق و سرشار از ارادت، فروتنی بی‌نظیر را کلید فهم شخصیت استاد فرشچیان می‌داند. او با قاطعیت می‌گوید: اگر از هر کسی که استاد را می‌شناخت، از دوستان و شاگردانشان پرسید، بی‌شک همگی به یک ویژگی مشترک اشاره خواهند کرد: فروتنی بی‌نظیر ایشان. این فروتنی نه تنها یک ویژگی اخلاقی، که جوهره وجودی ایشان بود. با وجود جایگاه رفیع و شهرت جهانی، استاد چنان متواضع و خاکی بودند که هرگز کسی در محضرشان احساس تفاوت رتبه و درجه نمی‌کرد. حاجبی میان او و مردم نبود؛ رفتار گرم و صمیمی استاد، فضایی از راحتی و آرامش ایجاد می‌کرد که افراد بدون هیچ خجالتی می‌توانستند با ایشان گفت‌وگو و مسائل خود را مطرح کنند. این فروتنی در گام‌های متواضعانه‌اش در مسیر زیارت نیز هویدا بود؛ استاد معمولاً مسیر ورودی‌های حرم مطهر تا خود صحن و سرای رضوی را پیاده طی کرده و در این مسیر، با لبخند مهربان و متانت بی‌نظیر، از مردم استقبال می‌کردند و هرگز بی‌اعتنایی یا سردی در رفتارشان دیده نمی‌شد.

■ **معلمی از جنس نور؛ دلجویی در غربت، تشویق در مسیر دانش**

استاد فرشچیان، درسی از زندگی و انسانیت بودند؛ نه تنها در هنر، که در منش و رفتار نیز معلمی بی‌بديل به شمار می‌رفتند. خانم کفیلی خاطره‌ای دلنشین از سفر خود به نیویورک را به یاد می‌آورد که عمق مهربانی و دلسوزی استاد را به زیبایی نمایان می‌کند. استاد با شور و شوق فراوان، او را به این سفر مطالعاتی تشویق کرده و شماره تماس خود را نیز به او می‌دهند.

در آن دیار غریب، ندای دلگرم‌کننده استاد همچون نسیم رحمتی بود که مکرر از طریق تلفن به گوش می‌رسید: «خانم کفیلی، دل‌تنگ نباشید، احساس غربت نکنید. هر کاری داشتید به من بگویید و هر کمکی از دست من برمی‌آید، بفرمایید». این دلجویی‌های پیوسته، در آن شهر بزرگ و ناآشنا، مایه دلگرمی بی‌اندازه‌ای بود که هرگز از یاد نمی‌رود. این روحیه معلمی و سخاوت در انتقال دانش، در بازدیدهای استاد از موزه نیز مشهود بود.

خانم کفیلی فرصت می‌یافت در مورد کارشناسی آثار، ارزش‌های فرهنگی، هنری و حتی ریالی آن‌ها با استاد گفت‌وگو کرده و اطلاعات ارزشمندی کسب می‌کرد.



چیدمان و نمایش آثار هنرمندان معاصر از جمله استاد فرشچیان را بر عهده داشت. این آثار ابتدا در بخش هنری موزه قرآن (طبقه همکف، محل کنونی موزه هدایای رهبر معظم انقلاب) به نمایش درآمده بودند و سپس به طبقه اول موزه مرکزی منتقل شدند. این همراهی مبارک، برای بیش از سه دهه، از آن روزها تا زمان تأسیس تالار اختصاصی ایشان در سال ۱۳۸۹ و سپس مسئولیت خانم کفیلی در اداره پژوهش موزه که با همکاری کارشناسان و حمایت معاونت وقت موزه‌ها به افتتاح این تالار انجامید و تا آخرین تابلو اهدایی و آخرین تماس‌های دلگرم‌کننده

مریم احمدی شیروان | پس از گذشت ۴۰ روز از عروج ملکوتی استاد محمود فرشچیان، نگارگر عشق و عارف بوم و رنگ که فقدانش ضایعه‌ای بزرگ برای جامعه هنری و دوستداران هنر این سرزمین است، دل‌ها در پی شنیدن از ابعاد وجودی این هنرمند یگانه است. برای درک ژرفای منش انسانی و اخلاقی استاد، چه کسی شایسته‌تر از خانم حشمت کفیلی، کارشناس ارشد باستان‌شناسی و متخصص تاریخ هنر دوره اسلامی؛ او که از زمستان ۱۳۶۹، همزمان با آغاز خدمت خود در آستان قدس رضوی، ابتدا به عنوان رئیس بخش هنر موزه مرکزی، مسئولیت

